

این داستان در دستنویس Tii D66 به خط مانوی^{۱۴} در سطرهایی ناقص با رسم الخطی رنگ باخته و غالباً ناخوانا آمده است. به طور کلی قطعه ای است که خوب حفظ نشده است. در اینجا نخست برگردان واژه به واژه یا تحت اللفظی داستان از زبان سغدی به فارسی و سپس حرف نوشت متن سغدی و پس از آن افسانه «سلطان مار»^{۱۵} از گروه اول و «دختر یفتاح»^{۱۶} از گروه دوم به عنوان نمونه خواهد آمد.

(۱) «... فشار آورد» درخواست پر (= دعاکن، استدعاکن)^{۱۷}

(۲) و سوگند را سوگندخور (= سوگند یادکن، پیمان ببند)

(۳) همان زمان (= بی درنگ) آرام گیرد و

(۴) ما رها نیده شویم» و

(۵) ... تا هفت روز

(۶) ... فشار و فراخوان

(۷) ... «سوگند کن (= پیمان ببند)» و

۱۴. همانطور که گفته شد متون سغدی به سه گروه بودایی، مانوی و مسیحی تقسیم می شود. متون هر يك از این سه گروه به خط خاصی نوشته شده است. برای مثال متون سغدی مسیحی به خط سریانی مترجمی و متون سغدی مانوی به «خط مانوی» (که توسط خود مانی اختراع شده بود) و بالاخره متون سغدی بودایی به خط تالیث نوشته می شد که خط اصلی سغدی یا خط ملی سغدیها و اکنون به نام «خط سغدی» معروف است. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به ای.ام. اورانسکی، مقدمه *نقد اللغة ایرانی*، ترجمه کریم کشاورز (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۸)، متن، صص ۲۰۵-۱۹۶.

۱۵. نگاه کنید به پانوش (۱۰).

۱۶. نگاه کنید به پانوش (۱۴).

۱۷. نقطه چین نشانه افتادگی در متن اصلی است.

۱۸. احتمالاً مرتبط با owqz اوستایی و به صورت مضارع التزامی است.

- (۸) «بازرگان، اما»^{۲۱} نپذیرفت
 (۹) ... و بازرگان
 (۱۰) «اندیشید»؛ «من به
 (۱۱) و خانه
 (۱۲) بزرگ خطر و بدی
 (۱۳) ... هست (= زیان و بدبختی عظیمی در انتظار خانه و خانواده من
 است) و
 (۱۴) ... «تسلیم شد» و
 (۱۵) بازرگان به (= در مقابل) روح (= روح دریا) و
 (۱۶) شبع چنین
 (۱۷) سوگند کرد (= پیمان بست):
 (۱۸) «چنان باشد که از این
 (۱۹) اقیانوس، بدون خطر (= اگر بدون زیان و آسیب از این اقیانوس نجات
 یابیم)
 (۲۰) ... آنگاه
 (۲۱) ...
 (پشت صفحه)
 (۲۲) و او را خواهم گرفت و
 (۲۳) به این شبع دریایی (= روح دریا)
 (۲۴) قربانی^{۲۲} کنم و
 (۲۵) هنگامیکه هشتمین روز این
 (۲۶) سوگند کرد (= این پیمان را بست) آنگاه
 (۲۷) بلافاصله همان زمان (= بی درنگ)،
 (۲۸) طوفان باز ایستاد و
 (۲۹) بازرگان همراه با پسر و

۲۱. نشانه < > برای واژه های افزوده بر متن اصلی اختیار شده است.

۲۲. هنینگ واژه wšy را به صورت [p] wšy بازسازی کرده و آن را با pušt ترکی اخوری به معنی «پیشکشی» معادل دانسته است با ذکر این مطلب که این واژه در هیچ متن سفدی به کار نرفته است.

در اینجا واژه به صورت [z] wšy به معنای «قربانی» بازسازی شده است. نگاه کنید به W.B.

Henning, op.cit, p. 472. n.2.

وسطایی و باستانی شباهت و سنخیت دارند؛^{۲۶} یعنی مبنای ریخت شناختی آنها از سنخ قضا سازیهای داستانهای اسطوره ای است، داستانهایی که بر نوعی بینش جادویی و درك غیرمنطقی و غیرعقلانی از منطق حوادث و وقایع قرار دارد. اساساً بینش حاکم بر جهان بینی میتولوژیک مبتنی بر نوعی درك انضمامی از مکان و درك جادویی از روابط مابین پدیده ها، اشیاء و افراد می باشد.^{۲۷}

۲۶. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به ولادیمیر پراپ. ریخت شناسی قصه های پریان. ترجمه فریدون بدره ای (تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۷).

۲۷. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به داریوش شایگان. پتهای ذهنی و خاطره های ازلی. بخش دوم: مبانی بینش اساطیری (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲).

منابع دیگری که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است:

- داریوش آشوری. شعر و اندیشه (تهران: انتشارات نشر مرکز، ۱۳۷۳).

- میرچا الیاده. چشم انداز اسطوره ها. ترجمه جلال ستاری (تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۴).

- م. لوفلر دلاشو. زبان رمزی افسانه ها. ترجمه جلال ستاری (تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۴).

چنانکه این ترکیبهای اضافه را گسترش دهیم و به صورت جمله های موصولی در آوریم، معنای ذهنی یا ژرف ساختی آنها به وضوح متبلور می گردد:

- ۴. الف: کارگری که زن است.
- ب: خیاطی که زن است.
- ج: دکتری که زن است.
- د: نماینده ای که زن است.

نکته شایان توجه این است که هرگاه ترتیب و توالی این عناصر را در اضافه تغییر دهیم، دلالت معنایی زن نیز بلافاصله عوض می شود مانند:

- ۵. الف: زن کارگر
- ب: زن خیاط
- ج: زن دکتر
- د: زن نماینده

در این ترکیبها دیگر صحبت از جنسیت نیست، بلکه سخن از زنی است که دارای شغل معینی باشد:

- ۶. الف: زنی که کارگر است.
- ب: زنی که خیاط است.
- ج: زنی که دکتر است.
- د: زنی که نماینده است.

ساختهای اضافه در بخش (۵) معنای دیگری را هم به ذهن القا می کنند و آن همسر بودن زن است که گویی برای خنثی کردن این دو معنایی (ابهام) آنها را غالباً به صورت جمع در می آوریم و می گوئیم:

- ۷. الف: زنان کارگر
- ب: زنان خیاط

